

The Right to the City as a Way of Life; Emphasizing the Role of Social Security (Case Study: Citizens Over Twenty in the City of Mako)

Received	Received in	revised form:	Accepted:	Published
----------	-------------	---------------	-----------	-----------

Abstract

The right to the city, in Lefebvre's view (1968), is not defined as a legal demand of citizens, but as a lifestyle that is based on lived experience, active participation in shaping the city, and the use of urban space. Buzan (1991) considers social security to be maintaining cohesion and preventing the weakening of collective identities. It seems that social security plays an important role in realizing the right to the city as a lifestyle by providing a suitable platform for social interactions and urban participation, a topic that has been examined in this study.

Research method: Survey with questionnaire and statistical population including all citizens over 20 years of age living in the city of Maku, 33,328 people, of which 500 people were selected according to the Cochran sample size determination formula with variance obtained from a pre-test of 50 respondents and using multi-stage cluster sampling.

Based on the results obtained, the statistical relationship between social security indicators and the right to the city was confirmed. In the regression test, the life security index with an impact coefficient of 0.32, psychological security with 0.28 and financial security with 0.24 affected the variable of perception of the right to the city. In total, social security indicators were able to explain 21 percent of the changes in the variable of perception of the right to the city. In the final analysis, paying attention to social security infrastructure among citizens can lead to increased participation and urban belonging, expanding the perception of the right to the city, and improving the lifestyle among citizens.

Keywords: Right to the city, social security, lifestyle, Maku city

Cite as: The Right to the City as a Way of Life; Emphasizing the Role of Social Security. *Sociology of lifestyle*. 2024; ?? (??): ???

Owner and Publisher: University of Tabriz

ISSN (online): 2645-5641

Access Type: Open Access

DOI : [10.22034/sls.2025.19375](https://doi.org/10.22034/sls.2025.19375)

حق به شهر به مثابه سبکی از زندگی؛ با تاکید بر نقش امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان بالای بیست سال شهر ماکو)

چکیده

حق به شهر در نگاه لوفور (۱۹۶۸) نه به عنوان مطالبه قانونی شهروندان بلکه به مثابه سبکی از زندگی که بر تجربه زیسته، مشارکت فعال در شکل دهی شهر و استفاده از فضای شهری تعریف شده است. بوزان (۱۹۹۱) امنیت اجتماعی را حفظ انسجام و جلوگیری از تضعیف هویت های جمعی در نظر می گیرد. به نظر می رسد امنیت اجتماعی با فراهم کردن بستر مناسب تعاملات اجتماعی و مشارکت شهری نقش مهمی در تحقق حق به شهر به عنوان سبکی از زندگی دارد موضوعی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش پیمایش با ابزار پرسش نامه و جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر ماکو به تعداد ۳۳۳۲۸ نفر که از این تعداد، ۵۰۰ نفر طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با واریانس بدست آمده از پیش آزمونی به تعداد ۵۰ پاسخگو و به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده اند.

بر اساس نتایج بدست آمده رابطه آماری بین شاخص های امنیت اجتماعی با حق به شهر تایید شد. در آزمون رگرسیون شاخص امنیت جانی با ضریب تاثیر ۰/۳۲، امنیت روانی ۰/۲۸ و امنیت مالی ۰/۲۴ بر متغیر ادراک حق به شهر تاثیر گذاشتند. در مجموع شاخص های امنیت اجتماعی توانستند ۲۱ درصد از تغییرات متغیر ادراک حق به شهر را تبیین کنند. در تحلیل نهایی توجه به زیرساخت های امنیت اجتماعی در بین شهروندان می تواند به بالابردن مشارکت و تعلق شهری و گسترش ادراک حق به شهر و بهبود سبک زندگی در بین شهروندان منجر شود.

کلیدواژه‌ها: حق به شهر، امنیت اجتماعی، سبک زندگی، شهر ماکو

نحوه ارجاع: "حق به شهر به مثابه سبکی از زندگی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ماکو)". جامعه‌شناسی و سبک زندگی. ۱۴۰۳:

۱۰(۲۳): ۱-۱۰.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۵۶۴۱-۲۶۴۵

نوع دسترسی: آزاد

DOI: [10.22034/sls.2025.19375](https://doi.org/10.22034/sls.2025.19375)

مقدمه

نظریه حق به شهر نخستین بار توسط هانری لوفور مطرح شد. او در کتاب حق به شهر (1968) این مفهوم را به‌عنوان مطالبه‌ای جمعی برای بازپس‌گیری شهر از سلطه سرمایه‌داری و بازآفرینی آن بر اساس نیازهای ساکنان تعریف کرد (لوفور، ۱۹۶۸). بزعم وی حق به شهر شامل دو بعد اساسی است: تصاحب فضا که به معنای حق استفاده و بهره‌برداری از امکانات شهری و مشارکت که شامل حق تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری شهری می‌شود. هاروی این مفهوم را بسط داده و آن را به‌عنوان مطالبه‌ای برای عدالت فضایی و بازتوزیع منصفانه منابع شهری در برابر سرمایه‌داری نئولیبرال معرفی می‌کند (هاروی، ۲۰۱۲). در نگاه هاروی؛ حق به شهر نه‌تنها یک حق فردی، بلکه مطالبه‌ای جمعی برای تغییر ساختارهای قدرت در شهر است.

امنیت اجتماعی مفهومی است که به پایداری، آرامش و کاهش تهدیدهای اجتماعی در یک جامعه اشاره دارد. بوزان (۱۹۹۱) امنیت اجتماعی را در چارچوب مطالعات امنیتی بررسی کرده و آن را به حفظ انسجام اجتماعی، هویت‌های جمعی و جلوگیری از تضعیف گروه‌های اجتماعی مرتبط می‌داند (بوزان، ۱۹۹۱). پاتنام (۲۰۰۰) امنیت اجتماعی را نتیجه سرمایه اجتماعی دانسته و بر اهمیت اعتماد و مشارکت اجتماعی در ایجاد جامعه‌ای امن تأکید دارد (پوتنام، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، بک (۱۹۹۲) با رویکرد جامعه ریسک، امنیت اجتماعی را تحت تأثیر تهدیدهای نوظهور مانند جهانی‌شدن، تغییرات محیطی و نابرابری‌های اجتماعی تحلیل می‌کند (بک، ۱۹۹۲).

تأثیر امنیت اجتماعی بر حق به شهر را می‌توان در فراهم کردن زمینه‌ای برای مشارکت شهروندان، کاهش نابرابری‌ها و افزایش احساس تعلق به فضاهای شهری مشاهده کرد. امنیت اجتماعی موجب تقویت انسجام اجتماعی و کاهش بی‌اعتمادی می‌شود که این امر، پیش‌شرطی اساسی برای تحقق حق به شهر به شمار می‌آید. در مقابل، فقدان امنیت اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش مشارکت شهروندان و افزایش انحصار فضایی توسط گروه‌های خاص شود که این امر، حق به شهر را محدود می‌کند.

امنیت اجتماعی با فراهم کردن بستر مناسب برای تعاملات اجتماعی، مشارکت شهری و کاهش نابرابری‌ها، نقش مهمی در تحقق حق به شهر به‌عنوان سبکی از زندگی دارد. در فضایی که امنیت اجتماعی تأمین شده باشد، شهروندان می‌توانند به‌صورت فعالانه در تصمیم‌گیری‌های شهری مشارکت کرده، از امکانات شهری بهره‌مند شوند و احساس تعلق بیشتری نسبت به محیط زندگی خود داشته باشند. در مقابل، نبود امنیت اجتماعی منجر به طرد اجتماعی، کاهش تعاملات شهری و محدودیت در دسترسی به فضاهای عمومی می‌شود که این امر، سبک زندگی شهری و حق به شهر را به چالش می‌کشد.

شهر ماکو به‌عنوان یک شهر مرزی در شمال‌غرب ایران نقطه کانونی مهمی در مقوله حق به شهر و امنیت اجتماعی دارد. از یک سو مرزی بودن شهر و قرار گرفتن آن در مسیر تبادل فرهنگی اروپا و کشور ترکیه که عملاً اندیشه‌ها و باورهای مرتبط با حقوق شهروندی و شاخص‌های حق به شهر را در مبادلات فرهنگی و اجتماعی شهروندان دو سوی مرز را وارد فضای فکری شهروندان می‌کند و از دیگر سو امنیت اجتماعی شهر با توجه به موقعیت آن در مسیر تردد مسافران، رانندگان ترانزیت، بازدیدکنندگان و همچنین تأثیرات دگرگونی فرهنگی ناشی از تأثیر فضای مجازی و فاصله نسل‌ها، با چالش‌هایی مواجه می‌شود. این امر به خودی خودی بر درک شهروندان از مفاهیم و شاخص‌های حق به شهر موثر بوده سبک زندگی آنان را به سمت و سوی خاصی سوق می‌دهد. به باور پژوهشگران این طرح امنیت اجتماعی می‌تواند با تأثیرگذاری بر روی ادراک شهروندان از حق به شهر سبک زندگی آنان را دگرگون کرده، زمینه بهره‌مندی عادلانه از امکانات شهری، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های شهری و ارتقای تعاملات اجتماعی را فراهم آورد. در واقع، امنیت اجتماعی با ایجاد حس اطمینان و آرامش در

جامعه، درک شهروندان از حق به شهر را تقویت کرده و آنان را به سمت سبک زندگی مشارکتی، تعامل‌گرا و شهروندمدار سوق می‌دهد. از سوی دیگر، نبود امنیت اجتماعی می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی، کاهش حضور در فضاهای عمومی و تضعیف روحیه مطالبه‌گری شهری شود. در ماکو، به‌عنوان یک شهر مرزی، این رابطه پیچیده‌تر است؛ چراکه تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از تبادلات مرزی و ارتباطات اجتماعی، تغییرات در ارزش‌ها و هنجارها، و تأثیر فناوری‌های ارتباطی، سبک زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، تقویت امنیت اجتماعی نه‌تنها موجب افزایش احساس تعلق شهروندان به شهر و بهبود کیفیت زندگی آنان می‌شود، بلکه از طریق ایجاد فرصت‌های برابر، زمینه‌ای برای تحقق حق به شهر در تمامی ابعاد آن فراهم می‌آورد.

نهایتاً نظریه حق به شهر یکی از نظریه‌های قابل توجه در مطالعات و پژوهش‌های شهری و جامعه‌شناختی است که بر دسترسی برابر شهروندان به منابع شهری و مشارکت فعال آنها در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید دارد (لوفور، ۱۹۶۸؛ هاروی، ۲۰۱۲). در این میان، امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر ادراک حق به شهر، نقش مهمی در کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کند. این مقاله با اتخاذ رویکردی تحلیلی، به بررسی رابطه بین حق به شهر و امنیت اجتماعی پرداخته و نقش امنیت جانی، مالی و روانی را در ادراک شهروندان از حق به شهر بررسی می‌کند. سوالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست را می‌توان بدینگونه مطرح کرد: آیا می‌توان حق به شهر را به‌عنوان سبکی از زندگی شهروندان شهر ماکو در نظر گرفت؟ آیا شاخص‌های حق به شهر در سبک زندگی شهروندان این شهر نقش دارند؟ نقش امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار بر تعاملات شهروندان در حق به شهر و برداشت شهروندان ماکو از آن چیست؟ اینها سوالاتی هست که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

۱.۲. پیشینه داخلی

معدنی و نجاری (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی پایدار: پیوند امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی در جامعه به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های حق به شهر پرداخته‌اند. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق آمیخته یا ترکیبی است. مشارکت‌کنندگان تحقیق از خبرگان دانشگاهی و اجرایی این حوزه می‌باشند. کدگذاری‌های انجام‌شده با بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین بود که در نهایت ۲۱۱ کد باز، ۷۲ کد محوری، و ۲۳ کد انتخابی به دست آمد که در قالب شش مقوله دسته‌بندی شدند. از نتایج تحقیق حاضر می‌توان به نقش اساسی پیوند مفهومی سه مؤلفه امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت عمومی در ایجاد سرمایه اجتماعی پایدار اشاره کرد که می‌تواند به افزایش هماهنگی از طریق افزایش اعتماد بین شهروندان جامعه، تسهیل دسترسی و تعامل اجتماعی زیاد، ایجاد همبستگی و انسجام جامعه، توانایی کار جمعی روی مشکلات، روابط مبتنی بر اعتماد و احترام، ایجاد ارزش‌های مشترک، و دیدگاه مشترک منجر شود.

صالحی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق با عنوان "بررسی رابطه اعتماد، امنیت و آگاهی از حقوق شهروندی" به بررسی رابطه بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی و حقوق شهروندی از جمله شاخص‌های حق به شهر پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان شهر اهواز بوده است. در بخش کمی، نمونه‌ای از شهروندان به‌صورت تصادفی انتخاب

و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش اعتماد و امنیت اجتماعی منجر به افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌شود که این امر می‌تواند به بهبود مشارکت شهری و احساس تعلق به شهر کمک کند.

زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق با عنوان بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و حق به شهر پرداخته‌اند. پژوهش از نوع پیمایشی و از نظر زمان مقطعی است. جامعه آماری ۴۱۱۰۵۱ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد در سال ۲۰۱۸ بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۵ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفت ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از این است که حق به شهر و احساس امنیت در بین شهروندان یزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده و بین حق به شهر و احساس امنیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

هزار جریبی و شالی صفری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی به بررسی رابطه میان متغیرهای امنیت اجتماعی و حق شهروندی پرداخته‌اند. با توجه به اینکه شاخص حق شهروندی از ابعاد متغیر حق به شهر است بررسی رابطه دو متغیر می‌تواند در پیدا کردن روابط بین متغیرهای امنیت اجتماعی و حق به شهر راهگشا باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان بالای ۱۵ تا ۶۵ سال شهر قزوین می‌باشد که تعداد ۴۰۰ نفر بر طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عناصر سازنده اخلاق شهروندی در دو بعد ۱- (حقوق شهروندی) شامل احساس عدالت و برابری در جامعه، فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه و رضایت از عملکرد مسوولان می‌باشد. همچنین بر طبق نتایج برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی در جامعه، لازم است که شهروندی تعریف و رعایت گردد. در عصر حاضر، شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس به طور کلی شهروندی و امنیت اجتماعی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم و مردم بر دولت» است.

شربتیان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر احساس امنیت بر سلامت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال مناطق شهری مشهد) به بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی بعنوان یکی از شاخص‌های حق به شهر پرداخته‌اند. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۸ سال مشهد است که نمونه‌ای به اندازه ۷۶۰ نفر با ابزار پرسش‌نامه مورد آزمون قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج توصیفی تحقیق میانگین متغیرهای احساس امنیت و سلامت اجتماعی در حد متوسط به دست آمده است. نتایج رگرسیون نشان داده که به ترتیب مقادیر ضریب تعیین شده مولفه‌های احساس امنیت قضایی-انتظامی، اقتصادی، فکری-سیاسی، عاطفی و روانی، جانی، ارتباطی، شهری و محله‌ای، هویتی و دینی و اخلاقی به ترتیب بیشترین اثر را بر سلامت اجتماعی داشته‌اند؛ به طوری که در حدود ۴۳ درصد متغیر احساس امنیت متغیر سلامت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین در راستای ارتقاء احساس امنیت می‌توان از طریق ایجاد شناسایی پلیس شهروند محور حل معضلات مناطق حاشیه‌نشین و... سلامت اجتماعی شهروندان را افزایش داد.

مطالعات یزدی شیروان و ضیابخش (۱۳۹۲)، رضایی و همکاران (۱۳۹۴) و بهشتی و همکاران (۱۳۹۹) در مورد رابطه بین امنیت اجتماعی و حق سلامت شهری شهروندان، گل محمدی و رضوی (۱۳۹۱)، حیدری ساربان و شراره (۱۳۹۸)، در بررسی رابطه بین متغیرهای امنیت اجتماعی و عدالت اجتماعی (فضایی)، غضنفر پور و همکاران (۱۳۹۸)، پور محمدی و

همکاران (۱۳۸۹) در بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و سرزندگی شهری از جمله تحقیقات و پژوهش‌های بین‌متغیر امنیت اجتماعی با ابعاد و شاخص‌های حق به شهر می‌باشد.

۲.۲. پیشینه خارجی

جانسون و ویلبامز (۲۰۲۰) در تحقیق با عنوان "سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در محله‌های شهری: مورد مطالعه شهرهای ایالات متحده آمریکا" به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و حقوق مرتبط با حق به شهر پرداخته‌اند. تحقیق با روش پیمایش و در شهرهای نیویورک و شیکاگو انجام شده است. بر اساس نتایج منتشر شده در پژوهش سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در شهرها باعث افزایش حقوق شهروندی و بالاتر رفتن شاخص‌های حق به شهر می‌شود.

اسمیت و براون (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "امنیت شهری و انسجام اجتماعی، نقش مشارکت شهری در بریتانیا" به بررسی نقش امنیت و انسجام اجتماعی بر مشارکت شهری بعنوان یکی از شاخص‌های مهم حق به شهر پرداخته‌اند. در این تحقیق، روش کمی و تکنیک پیمایش به کار گرفته شده و داده‌ها از نمونه‌ای شامل ۸۰۰ شهروند بریتانیایی در سه شهر مختلف گردآوری شده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی و تعلق شهری، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری هستند. همچنین، امنیت اجتماعی با تقویت اعتماد اجتماعی و افزایش تعاملات مدنی، نقش کلیدی در تحقق حق به شهر ایفا می‌کند. در نهایت، پژوهشگران بر اهمیت سیاست‌گذاری‌های شهری در راستای تقویت امنیت اجتماعی و افزایش انسجام محلی تأکید کرده‌اند.

محمدحموده و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "چالش‌های امنیت اجتماعی و حریم خصوصی در شهرهای هوشمند" به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و حقوق شهروندان در شهرها از جمله مشارکت شهری و ... پرداخته‌اند. روش بررسی از نوع مطالعات تطبیقی می‌باشد نویسندگان با تحلیل و ترکیب نتایج پژوهش‌های پیشین، به شناسایی تهدیدها و چالش‌های مرتبط با امنیت و حریم خصوصی در بستر شهرهای هوشمند پرداخته‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده پیشرفت فناوری و افزایش استفاده از اینترنت اشیا در شهرهای هوشمند، نیاز به راهکارهای نوین برای تضمین امنیت و حریم خصوصی شهروندان و احقاق شاخص‌های شهروندی و از جمله حق به شهر ضروری است. مطالعه با استفاده از روش پیمایشی و مصاحبه‌های عمیق با ساکنان مناطق شهری در بریتانیا (شهرهای منچستر و لندن)، به بررسی تأثیر مشارکت جامعه در افزایش ایمنی شهری و انسجام اجتماعی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش مشارکت جامعه در برنامه‌های شهری منجر به بهبود احساس امنیت و تقویت انسجام اجتماعی در این مناطق شده است.

دیویس و میلر (۲۰۱۸) در تحقیق با عنوان "حق بر شهر و سلامت شهری: مطالعه شهرهای کانادا" به بررسی رابطه شاخص‌های سلامت شهری و حق بر شهر در شهرهای تورنتو و ونکوور پرداخته‌اند. روش بررسی کیفی و ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته می‌باشد. بر اساس نتایج بدست آمده دسترسی عادلانه به فضاهای شهری، مشارکت و همچنین سطوح بالای احساس امنیت اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های شهری با بهبود شاخص‌های سلامت در این شهرها مرتبط است.

۳. چهاچوب نظری

۱.۳. حق به شهر

شهر به مثابه حق اجتماعی است و نقش فضای شهری در تولید آهنگ روزمره زندگی و بازتولید روابط اجتماعی رویکردی به حقوق شهروندی را پدید می‌آورد که در آن ساکنان شهر باید نقش آفرینان و ذینفعان اصلی در تولید فضای شهری باشند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۴). حق به شهر یک حق کلی است که مصادیق متعدد را در برمی‌گیرد. از آنجا که حق به شهر ساکنان شهر را در دسترسی و برخوردار از آذانه از مزایای زندگی شهری توانمند می‌سازد، به مثابه حق آزادی است (حبیب‌نژاد و خسروی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۴). حق به شهر حق به چالش کشیدن خودمان از طریق تغییر شهر است. حق آزادی ساختن و بازسازی شهرها که یکی از بارزترین و در عین حال نادیده گرفته شده‌ترین حقوق انسانی است (هاروی، ۲۰۰۹، ص ۳۸). حق به شهر یک حق بشری است که شامل تخصیص شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری میشود. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معناست که هر انسانی صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگیهای فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۰).

انگاره حق به شهر لوفور با نظریه "پیوند فضا" پیوند دارد. نکته اصلی در تولید فضا این است که سرمایه داری به واسطه اشغال، تولید فضا و سودمندی های ناشی از آن قادر به حفظ و بازتولید خود شده است. این نظریه را بعدها کسانی نظیر دیوید هاروی بسط دادند و بارها برای صورت بندی "اقتصاد سیاسی" به آن مراجعه کرده اند (حبیبی، امیری ۱۳۹۴: ۱۱). لوفور در مفهوم حق به شهر توجه خود را بر حق انسانها به مشارکت در فضاهای شهری و بهره گیری از آنها قرار می‌دهد (لوفور، ۱۹۹۶: ۱۶۸) و معتقد است حضور در عرصه‌های عمومی سرآغاز دانستن شهر و محله برای خود، احساس تعلق و در نتیجه مسئولیت‌پذیری است. حق به شهر نمایانگر حق ساکنان برای دسترسی کالبدی، تصرف و استفاده از فضای شهری برای تأمین نیازهای خودشان است. حس تعلق به فضاهای عمومی آنجا شکل می‌گیرد که محدودیت ترددی و تبعیض‌آمیز وجود نداشته باشد (Massey, 1994: 189). حق به شهر از دیدگاهی به تغییرات شهری منجر می‌شود که ماهیت شهروند و شهروند بودن را به‌عنوان چالشی مهم پیش‌روی شهرها قرار داده و شهر را مهم‌ترین لایه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری (مکانی که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری بارز مبادله‌ای آن برابری می‌کند) معرفی می‌کند (پورسل، ۲۰۰۲: ۱۰۲). از این‌رو مفهوم حق به شهر مطرح شده توسط لوفور مفاهیمی چون عمومی بودن، تنوع و رقابت بر سر فضا را دربر می‌گیرد. لازم به یادآوری است که در گفتار لوفور، شهروند واژه‌های است که به تمام ساکنان شهر اطلاق می‌شود و دو حق را برای آنها در نظر می‌آورد: حق تملک فضا و حق مشارکت شهری. (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۴: ۲۹).

براساس نظریه لوفور انباشت سرمایه در جوامع سرمایه‌داری معاصر در نهایت به نفع شهروندان تمام نشده و حق بر شهر آنان در محاق قرار می‌گیرد. با حرکت جوامع و خصوصاً شهرها از جامعه سنتی به سوی مدرن در سال‌های اخیر شاهد افزایش حضور اجتماعی شهروندان در عرصه‌های عمومی مانند انجمن‌های صنفی، کانون‌ها و تشکل‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلف کاری، تجاری، جمع‌های دوستانه، مراودات روزمره و... هستیم. این حضور پررنگ شهروندان در فضاهای مختلف شهری در کنار فضا سازی فیزیکی، بافت معماری و... به ایجاد تغییرات گسترده‌ای در فرهنگ عمومی استفاده از این فضاها و حق هر شهروند در آن دارد (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۹۱).

لوفور معتقد است که ایدئولوژی بورژوازی و سرمایه‌داری در جهت همگون‌سازی بدن‌ها،

شخصیت‌ها، فضاها و فرهنگ‌ها حرکت می‌کند. او در مقابل این ایدئولوژی قرار می‌گیرد و پیشنهاد می‌دهد که فضاها، بدن‌ها، شخصیت‌ها و فرهنگ‌ها بر تمایزات خود از هم تاکید کنند و به یکدست-سازی نظام سرمایه‌داری تن ندهند. به نظر او، یک تضاد بنیادی میان جهانی شدن (توانایی کنترل فضا در وسعت بالا و همگون‌سازی فضاها) و مالکیت جزئی فضا وجود دارد. گسترش جنبه‌های مختلف تولید سرمایه‌دارانه فضاها را به هم شبیه می‌کند. فضا در سطح خرد تبدیل به صحنه‌ی مجادله و رقابت می‌شود. لوفور برای نمونه، از فضاهای سرگرمی مانند سواحل یاد می‌کند و معتقد است که این فضا فضای تضادآمیز است زیرا در آن بدن هم به مثابه‌ی شناسا عمل می‌کند و هم شناسه‌ای است که در نظام سرمایه‌داری تعریف شده است. در مورد فضاهایی مانند سواحل، لوفور معتقد است که فضاهای مصرف سرگرمی تبدیل به مصرف فضای سرگرمی شده است. فضا خود به یک عنصر مصرفی در زندگی تبدیل شده است (لوفور، ۱۹۹۱ به نقل از رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۲۳). پورسل (۲۰۰۲) معتقد است حق به شهر با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، به ایجاد جامعه‌ای امن‌تر و عادلانه‌تر کمک می‌کند.

دیده شدن در فضاهای عمومی ابتدایی‌ترین "حق به شهر" است. این رویکرد با توجه به زبان حقوق و مسئولیت‌ها در جامعه، به تشریح نقش و حق همیشگی مشارکت شهروندان در شکل‌دهی به فضاهای شهری می‌پردازد سپس در این فضاها گفت‌وگو و تعامل تحقق می‌یابد، حس انزوا یا طردشدن از بین می‌رود و حس تعلق شهروندی تحقق پیدا می‌کند. لوفور در تعریف تعلق، از شهروندی رسمی استفاده نمی‌کند، بلکه مفهوم هنجاری با عنوان سکونت را به کار می‌گیرد. کسانی که در شهر زندگی می‌کنند و زندگی روزانه را در فضاهای شهری تجربه می‌کنند، نسبت به آن حق دارند. حق به شهر از زندگی در شهر منتج می‌شود و به تعلق ساکنان آن می‌انجامد (Fenster, 2005: 41). با برقراری حق به شهر در شهر می‌توان حس تعلق را در این جوامع تقویت کرد. تعلق احساسی است که در فعالیت‌های روزمره و استفاده از مکانها شکل می‌گیرد و به دنبال استمرار بهره‌گیری از فضا تقویت می‌شود (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳ به نقل از پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

از دید لوفور، فضا نه یک موجود ذهنی و نه یک موجود عینی، بلکه یک واقعیت اجتماعی است. این فضا علاوه بر ابزار تولید، ابزار کنترل، سلطه و قدرت نیز است. بنابراین فضا، سیاسی و ایدئولوژیک است از این رو و بنا بر فلسفه دیالکتیک لوفور، نه خانه، بلکه شهر است که ایجادکننده وجود و خودآگاهی شمرده می‌شود (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۴: ۲۸). حق به شهر به معنای دسترسی و مشارکت برابر همه شهروندان در استفاده و تصمیم‌گیری درباره فضاها و منابع شهری است. این مفهوم بر پایه اصولی مانند عدالت فضایی، شمول اجتماعی، و توانمندسازی شهروندان برای بازپس‌گیری و شکل‌دهی شهر براساس نیازها و خواسته‌های اجتماعی آنان بنا شده است (لوفور، ۱۹۹۶؛ هاروی، ۲۰۰۸).

۲.۲.۳ امنیت اجتماعی

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب "مردم، دولت‌ها و هراس" به کار برد. امنیت اجتماعی، تنها یکی از ابعاد امنیت است. بوزان بر این باور است که جوامع به مقوله‌ی هویت، اهمیت بسیار می‌دهند.

وی به طریق مشابه "ویور" چنین استلال می‌کند: "مقوله کلیدی اجتماع؛ عبارت است از: آن دسته عقاید و اعمالی که افراد، آن را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی می‌کنند و باز می‌شناسانند. اجتماع، درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای اجتماعی می‌دانند امنیت اجتماعی، تنها یکی از بخشهای پنج‌گانه رو یکرد پنج بعدی او به فرضیه امنیت است. امنیت اجتماعی به معنای تضمین رفاه و ثبات برای افراد در برابر تهدیدات اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی است که می‌تواند هویت و شیوه‌ی زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد" (بوزان، ۱۹۹۱).

امنیت عبارت است از اطمینان خاطر که بر اساس آن افراد در جامعه‌های که زندگی میکنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (بوزان، ۱۳۷۸:۲). عواملی که میتوانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود متغیر باشند. این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نامها، لباسها، بستن مکانهای آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲). در مجموع، منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند، امنیت اجتماعی را غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم میکنند (ابراهیمیان و لطفی، ۱۳۹۸:۵۴). در خصوص امنیت و مفاهیم آن، تعاریف گوناگونی در جامعه وجود دارد. گاهی امنیت به معنای در امان بودن حیثیت و آبروی افراد و مورد تعدی و تجاوز قرار نگرفتن آن و گاهی به معنی طراحی سیستم امنیت اجتماعی به گونه‌ای که مال و جان افراد در جامعه در امان بوده و محیط اجتماعی برای حضور افراد ایمن باشد، در نظر گرفته می‌شود (غلام نیارمی، ۱۳۹۶: ۷۱).

ویور، امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگیهای بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی تعریف کرده است، وی همچنین امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت در ارتباط می‌داند. هویت عبارت است از آنچه که موجب شناسایی شخص باشد (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۳۸). به عقیده ویور، امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست؛ بلکه هم طراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است. چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی می‌باشد. از نگاه ویور در حالیکه امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به هر حال وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر اینکه امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته است و عکس العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی نفسه عملی سیاسی است از این رو امنیت اجتماعی به اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). بر این اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب یک دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد (ابراهیمیان و لطفی، ۱۳۹۸: ۵۵). از نظر گیدنز (۱۳۷۷) امنیت را میتوان موقعیتی خواند که در آن، یک رشته خطرهای خاص، به حداقل رسانده یا با آنها مقابله میشود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت، چه به معنای بالقوه و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموع‌هایی از آدمها تا مرز امنیت جهانی یا به افراد، ارتباط داشته باشد. به این ترتیب گیدنز، مصونیت در برابر خطر را امنیت، نامیده است. در نظر او، «خطر و امنیت، دو روی یک سکه را تشکیل میدهند؛ به گونه‌ای که وقتی امنیت وجود دارد، خطر رخت بر میبندد و بالعکس، هنگام دست و پنجه نرم

کردن با خطر، امنیت، مغشوش و پنهان است؛ سپس او به طرح امنیت وجودی؛ به عنوان یکی از صور ته‌های مهم امنیت پرداخته و از ضرورت امنیت وجودی برای مقاومت در برابر هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته سخن گفته است (باپیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰). امنیت اجتماعی در جوامع مدرن، نه تنها به معنای حمایت از افراد در برابر ریسک‌های اقتصادی است، بلکه شامل ایجاد اعتماد و اطمینان در روابط اجتماعی و نهادهای جامعه نیز می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۰).

گیدنز مطرح میکند که، امنیت را میتوان موقعیتی خواند که در آن یک رشته خطرهای خاص، به حداقل رسیده یا با آنها مقابله میشود. به این ترتیب گیدنز، مصونیت در برابر خطر را امنیت نامیده است. در نظر او خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل میدهند؛ به گونه‌ای که وقتی امنیت وجود دارد، خطر رخت بر میندند و بالعکس، هنگام دست و پنجه نرم کردن با خطر، امنیت مغشوش و پنهان است. در طول دوران جنگ سرد، امنیت عمدتاً موضوعی مرتبط با حاکمیت دولت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آن بود. با این حال، از اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوع امنیت به عنوان یک رشته مطالعاتی گسترش یافت و به تدریج مفهوم امنیت از حالت تک بعدی و صرف مسائل دولتی و نظامی خارج شد و مطالعات امنیتی بیشتر بر روی مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی مردم متمرکز شدند. امروزه امنیت پدیده‌های چند بعدی در نظر گرفته میشود که دامنه وسیعی از مفاهیم از جمله امنیت فیزیکی- مالی، امنیت روحی روانی و احساس امنیت نسبت به آینده را در بر میگیرد مفاهیمی که به تدریج در زندگی مردم اهمیت قابل توجهی یافته اند و در تعامل با سایر وجوه توسعه اجتماعی اهمیتی مضاعف به خود گرفته اند (شی هان، ۲۰۰۵). یکی از انواع امنیت، امنیت اجتماعی است که تأمین آن تنها با شناخت رفتارهایی صورت میگیرد که به افزایش یا کاهش امنیت در سطح "اجتماع" منجر میگردد. امنیت اجتماعی مفهومی است که تا حد زیادی با احساس ترس از جرم در محیط اجتماعی گره خورده است. سروستانی (۱۳۸۴) بیان میکند امنیت اجتماعی، چیزی نیست جز حالتی از آسودگی مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض است. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳).

دیگر بخشهای این رو یکرد؛ عبارتند از: «امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی؛ به طور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل تواناییهای تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولتها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی، ناظر بر ثبات سازمانی دولتها، سیستمهای حکومتی و ایدئولوژی است که به آنها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت است. امنیت اجتماعی، به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی با شرایط قابل قبولی از تحول، مربوط می شود. امنیت زیست محیطی، ناظر است بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش، جدا از یکدیگر عمل نمیکند. هر یک از آنها دارای کانون مهمی در درون مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولوی آنها م یباشند و از طریق ارتباطهایی قوی به یکدیگر متصل هستند» (بوزان، ۱۳۷۸). به عقیده بوزان، جوامع، درباره مقوله هویت، بسیار اساسی برخورد میکنند. او استدلال میکند که مقوله کلیدی جامعه، هویت است؛ به عبارت دیگر جوامع، متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند؛ همان چیزی که به افراد و گروهها امکان می دهد خود را به عنوان جزئی از جامعه تلقی نمایند (باپیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۱).

۴. روش‌شناسی

تحقیق با روش پیمایش و تحلیل‌های کمی انجام شده و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر ماکو در سال ۱۴۰۲ است که بر اساس آمارهای ارائه شده توسط سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی، فرمانداری و شبکه بهداشت و درمان برابر با ۳۳۳۲۸ نفر می‌باشد. از این تعداد با لحاظ وارپانس متغیر وابسته که طی مرحله مطالعه مقدماتی بر روی ۵۰ نفر بدست آمد با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۵۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، از دیگر سو پایایی ابزار اندازه‌گیری و استحکام گویه‌های پرسش‌نامه در مرحله پیش‌آزمون مورد بررسی و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای تمامی شاخص‌ها مورد تایید قرار گرفت. با توجه به اینکه شهر ماکو از نوع شهرهای طولی می‌باشد بنابراین تقسیم‌بندی مناطق و محلات شهر از ورودی شرقی شهر تا خروجی غربی به هفت منطقه پژوهش تقسیم شد و بر اساس جمعیت موجود در هر منطقه شهر نمونه‌ها به نسبت از مناطق مختلف انتخاب گردید.

گفتنی است با جمع‌بندی نظریه‌ها و پیشینه‌های بررسی شده نهایتاً شاخص‌های مشارکت شهری، عدالت فضایی، شمولیت اجتماعی، حق شهروندیت شهری، تعلق شهری، سرزندگی شهری و حق سلامت شهری بعنوان شاخص‌های سنجش متغیر حق به شهر انتخاب شدند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۷۸). همچنین برای برآورد پایایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضرایب پایایی حاصله در بازه قابل قبولی قرار دارند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. شاخص‌های متغیر حق به شهر و ضرایب آلفای کرونباخ

متغیر حق به شهر	شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
شاخص‌ها	مشارکت شهری	۹	۰/۷۹
	عدالت فضایی	۱۳	۰/۸۸
	شمولیت اجتماعی	۷	۰/۸۴
	حق شهروندیت شهری	۳	۰/۷۰
	تعلق شهری	۹	۰/۹۰
	سرزندگی شهری	۱۸	۰/۸۶
	حق سلامت شهری	۱۶	۰/۹۱

(منبع: یافته‌های تحقیق)

برای متغیر امنیت اجتماعی هم از سه شاخص امنیت روانی، جانی و مالی استفاده شده است. لازم بذکر است که شاخص‌های امنیت روانی، جانی و مالی برای سنجش متغیر امنیت اجتماعی در تحقیقات بررسی شده پیشین از جمله عباس‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) ابراهیمیان و لطفی (۱۳۹۸)، جعفری و همکاران (۱۳۹۸)، بنی‌فاطمه و سلیمی (۱۳۹۰) مورد استفاده قرار

گرفته اعتبار و روایی شاخص‌های مذکور تایید شده است.

جدول ۲. شاخص‌های متغیر امنیت اجتماعی و ضرایب آلفای کرونباخ

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	شاخص	متغیر امنیت اجتماعی
0/78	۹	امنیت روانی	شاخص‌ها
0/74	5	امنیت جانی	
0/71	5	امنیت مالی	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵. یافته‌ها

۵.۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش؛ از تعداد 500 نفر پاسخگو 247 نفر (۴۹/۵ درصد) مرد و 253 نفر (۵۰/۵ درصد) زن می‌باشند ۴۱ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، ۵۱/۴ کاردانی و کارشناسی، ۷/۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری؛ ۳۱/۲ درصد مجرد، ۶۸/۲ متاهل و ۰/۰۶ مطلقه می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان مطالعه ۳۷/۴ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۵۹ مشاهده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از بین شاخص‌های امنیت اجتماعی شاخص امنیت جانی با میانگین ۳/۳۶، امنیت مالی ۲/۹ و امنیت روانی ۲/۷ اندازه‌گیری شده است همچنین در بررسی شاخص‌های حق به شهر دو شاخص مشارکت شهری و تعلق شهری با میانگین ۳/۷۱ دارای بیشترین و شاخص شمولیت اجتماعی ۲/۸۵ دارای کمترین میانگین می‌باشند.

جدول ۳. آمارهای توصیفی متغیر وابسته تحقیق (حق به شهر)

متغیر	میانگین امنیت اجتماعی	میانگین حق به شهر
جنس	مرد	۲/۸
	زن	۳/۱
مدرک تحصیلی	راهنمایی و پایین‌تر	۲/۸
	دیپلم و	۲/۹
	کاردانی و کارشناسی	۳
	کارشناسی ارشد و دکتری	۲/۹۵
	۳۰-۲۰	۳/۰۸
	۴۰-۳۱	۲/۹

3/43	۳	۵۰-۴۱	سن پاسخگویان
3/34	۲/۹	۶۰-۵۱	
3/36	۲/۸	۶۱ و بالاتر	
۳/۳۱	۳	بشگوز تا مدرسه پیش ساخته	منطقه سکونت
۳/۲۶	۳/۱۳	یادبود تا سه راه بانک ملی	
۳/۳۷	۳/۰۴	چهارراه مرکزی تا شیرباشی	
۳/۰۹	۲/۸۶	اول بلوار تا آخر بلوار	
۳/۱	۲/۸	مسکن تا فلکه شیر	
۳/۳۳	۳/۱۲	شهرک لیعصر	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۲.۵. آماره‌های استنباطی تحقیق

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمونهای آماری مرتبط با سطوح سنجش متغیرها (فاصله ای) استفاده شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای وابسته و مستقل در جدول شماره ۴ به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها و شاخص‌های تحقیق

حق به شهر	آزمون پیرسون		
۰/۳۲	ضریب همبستگی	امنیت اجتماعی	متغیر مستقل
	سطح معنی داری		
۰/۰۰۱	ضریب همبستگی	امنیت روانی	شاخص‌های امنیت اجتماعی
	سطح معنی داری		
۰/17	ضریب همبستگی	امنیت جانی	
	سطح معنی داری		
۰/۰۰۱	ضریب همبستگی	امنیت مالی	
	سطح معنی داری		
۰/31	ضریب همبستگی	امنیت مالی	
	سطح معنی داری		
۰/۰۰۱	ضریب همبستگی	امنیت مالی	
	سطح معنی داری		
۰/22	ضریب همبستگی	امنیت مالی	
	سطح معنی داری		
۰/۰۰۱	ضریب همبستگی	امنیت اجتماعی	متغیر وابسته
	سطح معنی داری		
۰/۱۹	ضریب همبستگی	مشارکت شهری	
	سطح معنی داری		
۰/۰۰۱	ضریب همبستگی	مشارکت شهری	
	سطح معنی داری		

۰/۲۲	ضریب همبستگی	عدالت فضایی	شاخص‌های حق به شهر
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		
۰/۱۷	ضریب همبستگی	تعلق شهری	
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		
۰/۲۳	ضریب همبستگی	سرزندگی شهری	
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		
۰/۲۳	ضریب همبستگی	شمولیت اجتماعی	
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		
۰/۱۲	ضریب همبستگی	حق شهروندیت شهری	
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		
۰/۳۲	ضریب همبستگی	حق سلامت شهری	
۰/۰۰۱	سطح معنی داری		

(منبع: یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌های تحقیق بین امنیت اجتماعی و حق به شهر همبستگی مثبت و مستقیم ۰/۳۲ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ رابطه معنادار تایید شده است. همچنین بین شاخص‌های امنیت اجتماعی شاخص امنیت روانی با ضریب همبستگی ۰/۱۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، امنیت جانی با ضریب همبستگی ۰/۳۱ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ و امنیت مالی با ضریب همبستگی ۰/۲۲ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ دارای رابطه معنادار می‌باشند. در بررسی آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های حق به شهر با امنیت اجتماعی، مشارکت شهری با ضریب همبستگی ۰/۱۹ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، عدالت فضایی ۰/۲۲ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، شمولیت اجتماعی ۰/۲۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، حق شهروندیت شهری ۰/۱۲ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، تعلق شهری ۰/۱۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، سرزندگی شهری ۰/۲۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ و حق سلامت شهری ۰/۳۲ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین بین کلیه شاخص‌های امنیت اجتماعی با حق به شهر و شاخص‌های حق به شهر با امنیت اجتماعی دارای ضریب همبستگی مثبت و مستقیم و رابطه معنی دار وجود دارد.

۳.۵. آزمون رگرسیون

برای سنجش میزان تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته و پس از بررسی بعمل آمده با توجه به وجود چهارچوب نظری و با در نظر گرفتن اهمیت متغیرهای مستقل و با هدف ترسیم مدلی پایدار بر اساس چهارچوب نظری پژوهش از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج آزمون خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۵. آزمون ضرایب آزمون رگرسیون

مدل	مقدار R	ضریب تبیین	ضریب تبیین تنظیم شده	خطای استاندارد برآورد
رگرسیون	۰/۴۶	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۴۴

(منبع: یافته‌های تحقیق)

براساس نتایج جدول شماره ۵ مقدار $R=43/0$ نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و وابسته همبستگی مثبت و متوسط وجود دارد. مقدار ضریب تبیین $0/19$ نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از تغییرات متغیر حق به شهر توسط متغیرهای امنیت روانی، جانی و مالی تبیین می‌شود.

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس

مدل	مجموع مربعات	درجه آزاد	میانگین مربعات	F	Sig.
رگرسیون	۲۱.۷۳	3	۷.۲	۳۶.۸۳	۰/۰۰۱
باقیمانده	۷۸.۸۸	۴۰۱	.۱۹		
جمع	100.۶۲	۴۰۴			

با توجه به نتایج جدول شماره ۶ مقدار $F=36/83$ با درجه آزاد ۳ و سطح معنی $0/001$ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنی دار است این به این معناست که متغیرهای امنیت روانی، جانی و مالی توانایی تبیین متغیر حق به شهر را دارند؛ به عبارت دیگر متغیرهای مستقل توانسته‌اند بخشی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

(منبع: یافته‌های تحقیق)

جدول ۷. ضرایب استاندارد آزمون رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد		t	Sig.
	B	اثر پناه استاندارد		
ثابت	1.434	.180	7.981	.000
امنیت جانی	.221	.031	7.031	.000
امنیت مالی	.172	.031	5.472	.000
امنیت روانی	.231	.037	6.187	.000

بر اساس نتایج جدول شماره مقدار ثابت: $1/43$ نشان می‌دهد که اگر تمامی متغیرهای مستقل صفر باشند (یعنی هیچ‌گونه امنیت جانی، مالی و روانی وجود نداشته باشد)، مقدار حق به شهر در این بررسی برابر با 1.434 خواهد بود که به معنای نقش مهم متغیرهای مستقل (امنیت اجتماعی) بر متغیر وابسته (ادراک حق به شهر) می‌باشد. مقدار سطح معنی داری کلیه متغیرهای مستقل کمتر از $0/005$ به معنای تایید رابطه آماری آنها با متغیر وابسته می‌باشد. همچنین ضرایب t نشان دهنده تاثیر قابل توجه متغیرهای امنیت جانی، مالی و روانی بر ادراک حق به شهر است. در بررسی ضرایب بتا استاندارد امنیت جانی با مقدار $0/32$ بیشتر تاثیر و پس از آن امنیت روانی $0/28$ و امنیت مالی $0/24$ در رده‌های بعدی تاثیر قرار می‌گیرند. در تحلیل نهایی آزمون رگرسیون انجام شده و بر اساس نتایج آن احساس امنیت (جانی، مالی و روانی) تأثیر مثبت و معناداری بر حق به شهر در بین شهروندان ماکو دارد.

پژوهش حاضر با بررسی نقش امنیت اجتماعی بر ادراک حق به شهر شهروندان به مثابه سبکی از زندگی، تلاش کرده است تا به درک بهتری از روابط متقابل، تبادلات و بده بستان‌های بین‌کنشگران اجتماعی از یک سو و کشف تاثیر متغیرهای اجتماعی و شهری از جمله امنیت اجتماعی و حق به شهر در میان شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ماکو دست یابد. نتایج این مطالعه نشان داد که امنیت اجتماعی، نه تنها یکی از مؤلفه‌های مهم حق به شهر است، بلکه در شکل‌دهی به سبک زندگی شهری نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند. در یک محیط امن، شهروندان مشارکت بیشتری در امور شهری دارند، حس تعلق به شهر در آنها افزایش می‌یابد و سبک زندگی آنها به‌سوی فعالیت‌های جمعی و شهروندمدار سوق پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ناامنی منجر به کاهش تعاملات اجتماعی، انزوا و بی‌اعتمادی در شهر می‌شود که خود مانعی در برابر تحقق حق به شهر است. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت سیاست‌گذاری‌های شهری مبتنی بر امنیت اجتماعی و تقویت شاخص‌های آن از جمله امنیت جانی، مالی و روانی در بین شهروندان در جهت بالابردن میزان ادراک حق به شهر و بهبود سبک زندگی تأکید دارند. این نتایج با پژوهش‌های پیشین بررسی شده که رابطه بین امنیت اجتماعی و حق به شهر را تایید و بر تأثیر امنیت بر کیفیت زندگی و مشارکت شهروندان تأکید داشته‌اند همخوانی دارد. با این حال، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی رابطه میان متغیرهای امنیت اجتماعی و ادراک حق به شهر، تأثیر سبک زندگی را نیز بعنوان یکی از رویکردهای نظری مهم وارد تحلیل می‌کرده نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی چگونه می‌تواند الگوهای رفتاری و سبک زندگی شهری را تغییر دهد.

بر اساس نتایج آماری بدست آمده رابطه بین متغیرهای امنیت اجتماعی و حق به شهر مورد تایید قرار گرفته به گونه ای که می‌توان با تقویت شاخص‌های امنیت اجتماعی در جهت تحقق شاخص‌های حق به شهر و بهبود سبک زندگی شهروندان حرکت کرد. همچنین در تحلیل روابط بدست آمده بین متغیرها در آزمون رگرسیون انجام شده شاخص امنیت جانی بیشترین تأثیر را بر ادراک شهروندان از حق به شهر دارد. این مسئله نشان می‌دهد که تا زمانی که شهروندان احساس امنیت جانی نداشته باشند، امکان مشارکت فعال در محیط شهری، حضور در فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی به‌شدت کاهش می‌یابد. در چهارچوب حق به شهر به مثابه سبک زندگی، این یافته به این معناست که فقدان امنیت جانی و با کاهش میزان ادراک شهروندان از حق به شهر، سبک زندگی آنان به سمت انزوا و اجتناب از فضاهای عمومی سوق می‌یابد، درحالی‌که تأمین امنیت جانی، افراد را به سمت سبک زندگی شهری فعال هدایت می‌کند. مارکوس (۲۰۰۹) طی پژوهشی تایید کرد که در بسیاری از شهرها، گروه‌های محروم از حق به شهر محروم هستند، که این امر امنیت اجتماعی آنها را تهدید می‌کند (مارکوس، ۲۰۰۹).

امنیت روانی بعنوان دومین شاخص مهم تأثیر گذار بر ادراک حق به شهر که شامل احساس آرامش، نبود تهدیدهای روانی و اجتماعی و وجود اعتماد عمومی است، تأثیر چشمگیری بر حق به شهر دارد. سبک زندگی در محیط‌های ناامن از نظر روانی، بیشتر به سمت فردگرایی، بی‌اعتمادی

اجتماعی و کناره‌گیری از تعاملات شهری متمایل می‌شود. در مقابل، در جوامعی که شهروندان احساس امنیت روانی دارند، تعاملات اجتماعی قوی‌تر شده و سبک زندگی مبتنی بر روابط اجتماعی و همبستگی اجتماعی تقویت می‌شود. امنیت مالی شامل احساس اطمینان از درآمد، فرصت‌های اقتصادی پایدار و نبود تهدیدهای معیشتی است. این متغیر نیز بر حق به شهر اثرگذار است اما نسبت به امنیت جانی و روانی تأثیر کمتری دارد. سبک زندگی شهری برای افرادی که امنیت مالی ندارند، به‌طور طبیعی محدود می‌شود و این افراد در تصمیم‌گیری‌های روزمره خود به‌جای بهره‌مندی از فضاهای عمومی، مشارکت اجتماعی یا فعالیت‌های فرهنگی، بر تأمین نیازهای اولیه تمرکز می‌کنند.

بر اساس یافته‌ها و تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح کرد:

-افزایش امنیت شهری: سیاست‌گذاران شهری باید راهکارهایی برای افزایش امنیت جانی، مالی و روانی شهروندان اتخاذ کنند، از جمله بهبود جایگاه و تقویت روابط بین نیروهای نظامی، انتظامی و شهروندان با هدف بالابردن ضریب امنیت جانی، روانی و مالی شهروندان در شهر و فضاهای عمومی آن.

-تقویت مشارکت شهروندان: تشویق به حضور در فعالیت‌های اجتماعی و شهری از جمله گسترش نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و برگزاری جشن‌ها و گردهمایی‌های شهری می‌تواند حس تعلق شهروندان به شهر را افزایش داده و به تحقق بهتر ادراک حق به شهر و بهبود سبک زندگی کمک کند.

-بازنگری در سیاست‌های شهری: برنامه‌ریزی شهری باید با تأکید بر تأمین امنیت اجتماعی، فرصت‌های برابر را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کند به گونه‌ای که تمامی ساکنان شهر فارغ از گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، قومی، دینی و... از حقوق خود در شهر برخوردار گردند و از شهروندان غیرفعال و بدون تعلق شهری به شهروندانی فعال و دارای مشارکت بالا در امور شهری تبدیل گردند.

همچنین محدودیت‌های این پژوهش را می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد:

-این پژوهش تنها در شهر ماکو انجام شده و ممکن است نتایج آن به سایر شهرها قابل تعمیم نباشد.

-متغیرهای دیگری مانند سرمایه اجتماعی، جهانی شدن شهرها، توانمندسازی شهروندان، کیفیت زیرساخت‌های شهری یا سطح رفاه اقتصادی و... ممکن است بر حق به شهر تأثیرگذار باشند که در این مطالعه بررسی نشده‌اند.

- در پژوهش حاضر از روش کمی و پیمایش استفاده شده و تحقیقات کیفی می‌توانند ابعاد عمیق‌تری از این مسئله را آشکار سازند.

در تحلیل نهایی برای ارتقای سبک زندگی شهری و تحقق حق به شهر، ارتقای سطح امنیت اجتماعی شهروندان برنامه‌های شهری باید بصورت یکپارچه در جهت بهبود شاخص‌های آن از جمله امنیت جانی، روانی و مالی تدوین شوند تا نه تنها احساس امنیت تقویت شود، بلکه زمینه‌ای برای مشارکت فعال شهروندان بهبود سبک زندگی آنان فراهم آید و با مشارکت بیشتر در فضاهای عمومی و بزبان هابرماس (۱۹۸۱) حرکت به سمت کنش ارتباطی و گسترش جهان زیست شهروندان به سوی

شهرهایی با شهروندان دارای امنیت اجتماعی بالا، سبک زندگی بهتر و حق به شهر بیشتر حرکت کرد.

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

۷. منابع

- ابراهیمیان، حجت الله، توکل لطفی، (1398) مطالعه رابطه حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)، نشریه پژوهش/اجتماعی، (45)11، 49-67. magiran.com/p2117814
- ایزدی شیروان، محبوبه، و ضیابخش، ندا. (۱۳۹۲). بکارگیری الگوهای طراحی شهری در جهت ارتقا سطح امنیت و سلامت اجتماعی شهروندان. کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری. SID. <https://sid.ir/paper/fa834195>
- باپیری، امید علی، کمربگی، خلیل و درویشی، فرزاد. (۱۳۹۴). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ/ایلام 16، (شماره ۴۶ و ۴۷)، ۷۵-۹۰.
- بهشتی، سیدصمد، مرادی، رامین، و خلیلی دره بنگ، راضیه. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی احساس امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۸(۲)، ۱۷۳-۱۸۸. <https://sid.ir/paper/fa377759>. SID.
- پورمحمدی، محمدرضا، صدرموسوی، میرستار، و آذر، علی. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل پایداری و سرزندگی مناطق تبریز با تأکید بر امنیت شهری با نگرش جامعه‌شناختی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۶)، ۷-۲۵. SID. <https://sid.ir/paper/fa222524>
- پورمحمدی، محمدرضا، روستایی، شهریور، و خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی. نمونه‌ی موردی: شهر ارومیه. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱۰(۴) (مسلسل ۴۰)، ۱۹۵-۲۲۱. <https://sid.ir/paper/fa169289>. SID.
- جعفری، خدیجه، مسگرزاده، سجاد، و میرزاخانی، محمد. (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی شهروندان تبریز. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰(۳۸)، ۶۱-۸۳. <https://sid.ir/paper/222750/fa>. SID.
- حبیبی، سید محسن و امیری، مریم. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه که هست و آنچه که باید باشد. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران 5(2), 9-30. doi: 10.22059/ijar.2015.59014
- حبیب نژاد، سید احمد و خسروی، احمد. (۱۴۰۱). حق به شهر و امکان شناسایی آن در نظام حقوقی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران 52(1), 163-183. doi: 10.22059/jplsq.2019.270256.1865

حسین پور رندی، ابراهیم، عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، محمدباقر و حیاتی، صفر. (۱۴۰۳). مطالعه جامعه‌شناختی نقش مداخله‌گرایانه سرمایه اجتماعی در تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر ادراک حق به شهر (مورد مطالعه شهروندان بالای بیست سال شهر ماکو). علوم/اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. 21(4), 273-299. doi: 10.22067/social.2024.90065.1564

حیدری ساربان، وکیل، و صائب، شراره. (۱۳۹۸). تبیین رابطه عدالت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل. برنامه ریزی منطقه‌ای، ۹(۳۶)، ۶۷-۸۲. SID. [/fa۲۳۰۵۶۶https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۲۳۰۵۶۶)

رضایی، امید، مظلوم خراسانی، محمد، و مجدی، علی اکبر. (۱۳۹۴). مطالعه تاثیر احساس امنیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی شهروندان مشهد. مطالعات امنیت اجتماعی، ۲(۴۴)، ۱۳۹-۱۶۲. SID. [/fa۵۰۲۸۰۷https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۵۰۲۸۰۷)

رفیعیان، مجتبی، و الوندی پور، نینا. (۱۳۹۴). مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر، در جستجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۲۵-۴۷. SID. [/fa۵۱۸۰۸۴SID. https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۵۱۸۰۸۴)

رهبری، لادن و شارع پور، محمود. (۱۳۹۱). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، 15(1), 116-141.

زارع شاه آبادی، اکبر، بنیاد، لیلی، و غلامی، میثم. (۱۳۹۹). بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۰(۳۹)، ۱۰۹-۱۲۴. SID. <https://sid.ir/paper/1001817/fa>

شربتیان، محمدحسن، مجیدی، عبدالرضا، و عمرانی، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیر احساس امنیت بر سلامت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال مناطق شهری مشهد). مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۱(۶۱)، ۱۸۶-۱۵۷. SID. [/fa۹۵۲۹۱۲SID. https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۹۵۲۹۱۲)

صالحی، صالح، حسین زاده، علی حسین و امینی، یوسف. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی با نقش میانجی سرمایه سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر (علمی - پژوهشی) 11(21), 199-230. doi: 10.22084/csr.2022.25912.2086

عباس زاده، محمد، علی زاده اقدم، محمدباقر، حیاتی، صفر و حسین پور رندی، ابراهیم. (۱۴۰۳). اعتباریابی مقیاس سازه حق به شهر (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ماکو). توسعه محلی (روستایی-شهری) 15(2), 371-388. doi: 10.22059/jrd.2024.367719.668825

غضنفرپور، حسین، صداقت کیش، مرضیه، سلیمانی دامنه، مجتبی، و افضل‌نیز، مرضیه. (۱۳۹۸). سنجش سرزندگی و حیات شبانه میدان نقش جهان اصفهان با تاکید بر امنیت پایدار شهری. شهر پایدار، ۲(۲)، ۸۷-۱۰۶. SID. [/fa۳۵۸۴۲۸SID. https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۳۵۸۴۲۸)

- غلامی نیارمی، آتنا. (۱۳۹۶). ارزیابی جامعه‌شناختی ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر تهران). *پژوهش‌نامه زنان*, 8(21), 69-86.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴). «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی شماره یک، تهران: نشر گلیونه.
- گل محمدی، فرهود، و رضوی، سیدحمید. (۱۳۹۱). بررسی ابعاد ارتباط بین امنیت و عدالت اجتماعی با دستیابی به توسعه پایدار. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. SID. <https://sid.ir/paper/fa۱۹۰۰۰>
- ۲۶. لوفور، هانری (۱۳۹۳)، ماتریالیسم دیالکتیکی، ترجمه آیدین ترکمه، تهران، نشر تیسرا
- معدنی، جواد و نجاری، رضا. (۱۴۰۲). سرمایه اجتماعی پایدار: پیوند امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، و مشارکت عمومی در جامعه. *مجله علمی "مدیریت سرمایه اجتماعی"*, 10(2), 111-128. doi: 10.22059/2022.346380.2320
- نصری، قدیر (۱۳۷۸)، معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، *جزوه مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هزارجریبی، جعفر، و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۹). بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی. *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۳(۳)، ۱۵۷-۱۸۴. SID. <https://sid.ir/paper/fa۱۸۸۸۸>
- Beck, U. (1992). *Risk society: Towards a new modernity*. SAGE Publications.
- Buzan, B. (1991). *People, states, and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era* (2nd ed.). Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Davis, L., & Miller, C. (2018). The Right to the City and Urban Health: Examining the Relationship in Canadian Cities. *Health & Place*, 49, 203-210.
- Giddens, A. (1990). *The consequences of modernity*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action: Reason and the rationalization of society* (T. McCarthy, Trans.). Boston, MA: Beacon Press.
- Harvey, David. (2008). "The Right to the City." *New Left Review*, 53, 23.
- Harvey, D. (2012). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*. Verso Books.
- Hammoudeh, M., Al-Fayez, F., Hossain, A., et al. (2018). Security and Privacy Challenges in Smart Cities. *Journal of Internet Services and Applications*, 9(1), 18.

- Johnson, E., & Williams, M. (2020). Social Capital and Perceived Safety in Urban Neighborhoods: A Study in the United States. *Urban Studies*, 57(5), 1022-1038.
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities* (E. Kofman & E. Lebas, Trans. & Eds.). Oxford, UK: Blackwell. (Original work published 1968).
- Massey, D. (1994). *Space, Place, and Gender*. University of Minnesota Press.
- Marcuse, P. (2009). From critical urban theory to the right to the city. *City*, 13(2-3), 185-197.
- Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant. *GeoJournal*, 58(2-3), 99-108.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- Smith, J., & Brown, R. (2019). Urban Safety and Social Cohesion: The Role of Community Participation in the UK. *Journal of Urban Affairs*, 41(2), 123-141.

IB Press